

ماه مهر، ماه مهربانی

کامیابی و توانمندی جامعه خود را می‌سازند و به پیش می‌برند.

بدون تردید، نخستین روزهای ماه مهر، مهربانی را به دانش‌آموزان عطا می‌کند تا در کنار توانایی‌های فکری، احساس عمیقی بیابند که فقط با خوشرویی می‌توان کندوکاو کرد و با عشق به خوبی، بنیان نیکی را در جان افشاند و آن را رمز بقا کرد.

چرا، چو ذره، نیاید به رقص هر صوفی
در آفتاب بقا، تارهایندش ز زوال
چنان لطافت و خوبی و حسن و جان‌بخشی
کسی از و بشکبید، زهی شقا و ضلال
و از این روست که نهال آموزش در دل عشق
ورزیدن به هم‌نوع به بلوغ می‌رسد و رَسش خود
را مدیون ماه مهر (ماه مهربانی) می‌داند. ماه مهر،
ماه رها شدن از دام صیاد جهل و خرافات است
و درود به پهنه دانش و معرفت که همگی را
شخصیتی ناقد در او به امانت می‌گذارد (معلم).

چگونه بر نبرد جان، چو از جناب جلال
خطاب لطف چو شکر به جان رسد که تعال
در آب چون نجهد زود ماهی از خشکی
چو بانگ موج به گوشش رسد ز بحر زلال
چرا ز صید نپرد به سوی سلطان باز
چو بشنود خبر «زُجعی» ز طبل و دُوال
و آنچه ماه مهر را از ماه‌های دیگر سال
متمایز می‌کند، همین نشاط‌آفرینی در حوزه
اندیشه‌ورزی است که جامعه آموزش کشور را
یکپارچه تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این ماه به
جز میلیون‌ها دانش‌آموز که در قالب نوآموز و
دانش‌آموز در مدارس حضور می‌یابند، امروزه،
میلیون‌ها دانشجو نیز روانه کلاس‌های درس

تاریخ در تقویم خود، روز شمارهایی دارد که
حکایت از تاریخی زنده و پویا دارد. از جاودانه
روزهای تاریخی یکی اول مهر ماه است که
با خود نشاط آموزشی به همراه می‌آورد. در
آموزش و پرورش پویا، آموزه‌های علمی در کنار
روش‌های تربیتی و پرورش اخلاق حسنه با
نشاط و سرور، یک‌جا جمع می‌شوند و افراد را
برای یک سبک زندگی خوش‌بینانه و امیدوار
به آینده پرورش می‌دهند. در افکار کسانی که
آموزش و پرورش را سازمانی نه تنها مؤثر در
تعلیم و تربیت، بلکه سازمانی تأثیرگذار در گسترش
روحیه اندیشه‌ورزی می‌دانند، در آغازین روز
مهرماه جشنی ذاتی برپا می‌شود که:

نوبت وصل لقاست، نوبت حُسن بقاست
نوبت لطف و عطاست، بحر صفا در صفاست
موج عطا شد پدید، غرش دریا رسید
صُبح سعادت دمید، صُبح چه، نور خداست
همه کسانی که امروز بالیده‌اند و در جامعه
خود کسانی‌اند راهگشا و اثربخش در خدمات
اجتماعی، ضمیرشان پر است از خاطرات روزهای
خوش دوران دبستان و دبیرستان. آن‌ها نخستین
آموزه‌های مقاومت در برابر تند بادهای اجتماعی
را آن‌جاها آموخته‌اند، آن‌ها نخستین بارقه‌های
صبر و بردباری در برابر مشکلات و چاره‌جویی
برای پشت سر نهادن آن‌ها را در نیمکت‌های
چوبی مدارس و گاه در کنار بخاری‌های نفتی پر
از دود فرا گرفته‌اند و باز نیز در همان مکان‌های
نمور و خاک‌آلود آموختند چگونه می‌شود
آرزوهای بلندی برای سازندگی داشته باشند و
برای رسیدن به این رؤیا با کوششی پایان‌ناپذیر،
روشنمندی علمی را پیشه خود سازند و اکنون با

و حضور در آزمایشگاه و شرکت در کارگاه‌های تدریس و آموزش حرفه‌ای می‌شوند تا با تبخیر هر چه بهتر وارد جامعه خود شوند. ماه مهر با خود نشانه منحصربه فرد آموزش و رونق فراگیر آن را در مراکز آموزشی دارد و از میان همه لایه‌های آموزشی که نقش پرورشی آن‌ها چشمگیرتر است، نقش درس تربیت‌بدنی و به عبارتی دیگر «ورزش دانش‌آموزی» هم مورد توجه دانش‌آموزان و هم مورد توجه اکید والدین آن‌هاست.

شاید دانش‌آموزان به شادی و نشاط درس تربیت‌بدنی بیش از همه می‌پردازند و فارغ از سختی‌های احتمالی سایر کلاس‌ها، در این کلاس به بازی و آموزش فعالیت‌های پایه رو می‌آورند که سازنده روح و روان و ذهن (به جز جسم)، آن‌هاست، ولی والدین آن‌ها می‌دانند که فعالیت‌های بدنی دوره دانش‌آموزی تا چه حد در سلامتی دانش‌آموز و فراتر از آن در کل خانواده مؤثر است. برخلاف دیروز، والدین به شدت فرایند ورزش دانش‌آموزی را زیرنظر دارند و گاه و بی‌گاه با مراجعه به مراکز آموزشی در جریان این روند قرار می‌گیرند و به خوبی واقف شده‌اند که جریان تعلیم و تربیت، جریانی صرفاً یک سویه نیست که از آموزش و پرورش صرفاً بخواهند فرزندانشان را در جبر و مثلثات، ریاضیات، ادبیات و شیمی و فیزیک تقویت کنند. در حال حاضر، والدین دانش‌آموزان به جد از آموزش و پرورش می‌خواهند که کودکان و نوجوانان را طوری هدایت کنند که رشد همه جانبه‌ای داشته باشند تا بتوانند یک روش زندگی سالم، هدفمند، اجتماعی و پر از شور و نشاط را تجربه کنند. کودک شاد امروز، همان مدیر سازنده و با نشاط فرداست که انگیزه اصلی او پاک زیستن و پاک اندیشیدن و کمک به هم‌نوع است.

از میان همه پدیده‌ها و دروس و فعالیت‌های آموزشی دوره دبستان و دبیرستان، ورزش دانش‌آموزی فرصت مغتنمی برای والدین است تا ارتباط مؤثرتری با کانون آموزش و پرورش بیابند. پیوند خانه با مدرسه، هر اندازه قوی‌تر، باعث می‌شود تا همکاری‌های بین این دو نهاد مؤثر اجتماعی افزایش یابد و به دنبال آن، ارتباط سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر، از جمله صدا و سیما تقویت شود. از سویی، آثار فرهنگی تعامل بین نهادی و سازمانی جلوه دیگری از همبستگی ملی را به ارمغان می‌آورد که در آن افراد، علاوه بر مسئولیت‌های شخصی

و فردی، به مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر واقف می‌شوند و مصونیت فردی و اجتماعی در مقابل آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. اگر اکنون در جامعه اسلامی ما رگه‌هایی از ناهنجاری‌ها به ویژه در نزد جوانان و نوجوانان دیده می‌شود، بخشی از آن ریشه در بی‌خبری همه نهادهای سازنده یک جامعه از اهمیت تعامل اجتماعی دارد. در این میان، نقش ورزش دانش‌آموزی و نقش فعالیت‌های بین نسلی (پدر، مادر، مربیان، معلمان و دیگر اقدار نقش‌آفرین فرهنگی) اجتناب‌ناپذیر است. اگر یک سبک زندگی فعال (که تعامل‌های فرهنگی اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر آن است) در پیش گرفته شود، بیلان جامعه در شاخص‌های سلامت روان اجتماعی توسعه می‌یابد.

بدون تردید، عشق‌آفرینی خانواده و انتقال گشاده‌رویی به نسل در حال رشد و محبت کردن افراد به یکدیگر، که در فعالیت‌های ورزشی در عین رقابت شدید بدنی و حس غلبه بر دیگری جلوه‌ای پایدار دارد، می‌تواند بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری به‌ویژه انزواطلبی نسل جوان و تکی شدن و سرانجام افسرده شدن جامعه را مدیریت کند و به کنترل درآورد.

رفتار با کودک و نوجوان از سوی والدین، اولیای مدارس و در حد گسترده‌تر، نهادی مانند صدا و سیما باید به گونه‌ای باشد که او همیشه خود را با آن‌ها در پیوند بداند و معضلات روحی، روانی، درسی، جسمی و ... خود را به آسانی در میان بگذارد و الا در شرایطی فرصت را مغتنم می‌شمارد و فاصله خودش را با سایرین زیاد و زیادتر می‌کند. به کودک و نوجوان نمی‌توان توصیه کرد، ولی به والدین و سایر اولیا و نهادهای اجتماعی می‌توان توصیه کرد که «کودکان را دریابید و الا از شما می‌گریزند»:

بگیر دامن لطفش، که ناگهان بگریزد
ولی مکش تو چو تیرش، که از کمان بگریزد
چه نقش‌ها که ببازد، چه حیل‌ها که بسازد!
به نقش حاضر باشد، ز راه جان بگریزد
...

چو تیر می‌برود از کمان، چو مرغ گمات
یقین بدان که یقین‌وار از گمان بگریزد
خدایا، به جامعه آموزش و پرورش ما یاری‌رسان
تا بتوانند وظایف ملی، میهنی و دینی خود را با
حداکثر توان خویش انجام دهند و جامعه نمونه
مورد وعده تو را تحقق بخشند.
آمین یا رب العالمین.

سر دبیر

**برخلاف دیروز،
والدین به شدت
فرایند ورزش
دانش‌آموزی را
زیرنظر دارند و گاه
و بی‌گاه با مراجعه
به مراکز آموزش
در جریان این روند
قرار می‌گیرند و
به خوبی واقف
شده‌اند که جریان
تعلیم و تربیت،
جریانی صرفاً یک
سویه نیست**